

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تذکرہ ماہ و کتب تراجم / ۱

تذکرہ باغ معانی

(شعراى سده دوازدهم هجرى در شبه قاره ہند)

تألیف
نقش علی

بہ تصحیح
میر ہاشم محدث
دکتر یوسف بیگ بابا پور

سرّ ناسه	: نقش علی، قرن ۱۲ق.
عنوان و نام پدیدآور	: تذکره باغ معانی - برای سده دوازدهم هجری در شبه قاره هند - تألیف نقش علی؛ تصحیح میرهاشم محدث، یوسف بیگ باباپور
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۲۷ ص
فروست	: تذکره‌ها و کتب تراجم ۱۰
آپک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۹۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فبیا
یادداشت	: نمایه
عنوان دیگر	: - برای سده دوازدهم هجری در شبه قاره هند -
موضوع	: - ایران هندی (فارسی‌زبان) - قرن ۱۲ق - سرگذشتنامه
موضوع	: - مر فارسی - هند - قرن ۱۲ق - مجموعه‌ها
ناسه افزوده	: محدث، میرها، م، ۱۳۳۱ - مصحح
ناسه افزوده	: بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۵۷ - مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴-۷۳-۵/۹۲۲/۵۱ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۴-۹۹۵۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۸۷۵۱۵



انتشارات منشور سمیر

تذکره باغ معانی

تألیف: نقش علی

تصحیح: دکتر میر هاشم محدث، دکتر یوسف بیگ باباپور

ناشر: منشور سمیر

نوبت چاپ: اول - ۹۴

طراحی و صفحه آرایی: منشور سمیر

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۲۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۹۰-۶

تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹ - ۰۶۵۵۲۶۹۵۷-۲۱

حق چاپ: ۱۳۹۴، انتشارات منشور سمیر

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۲۱	دیباچه
۲۴	آشوب، ملا محمدحسین مازندرانی
۲۴	آگاه، میرزا محمدکاظم نیشابوری
۲۵	ایما، میرزا اسماعیل اصفهانی
۲۶	ابراهیم، میرزا [ابراهیم] همدانی
۲۷	الهی، میرزا مهدی تبریزی
۲۸	آذر، حاجی لطفعلی بیگ شاملو
۲۹	ازل، میر محمدامین
۳۰	اصیل، میر معصوم
۳۱	اشرف، میرزا
۳۱	انتخابی، [امام] وردی بیگ
۳۲	ایجاد، میرزا محمد احسن
۳۳	احسنی، سید غلامعلی
۳۳	آشنا، سید جلال‌الدین هروی
۳۴	اکرم پشوری، محمد
۳۴	احسن، میرزا محمد
۳۴	اکسیر صفاهانی، میرزا عظیم
۳۶	آرزو، سراج‌الدین علی‌خان
۳۸	آثم، شیخ حفیظ الله
۳۹	ارجمند، میرزا

- ۴۰..... آزاد، محمد مقیم
- ۴۰..... آزاد، محمد فاضل گجراتی
- ۴۱..... آزاد، سید غلامعلی بلگرامی
- ۴۴..... الفت، میر محمد حنیف
- ۴۵..... القا، میر محمد صادق
- ۴۵..... ایجاد، عبدالعزیز
- ۴۵..... انسان، غلام مصطفی
- ۴۵..... احمدی، خواجہ احمد
- ۴۶..... اشتیاق، شاہ ولی اللہ
- ۴۶..... افصح، شاہ فصیح
- ۴۷..... اظہر، حمید بیگ
- ۴۸..... اوہام، میرزا محمدعلی
- ۴۸..... اکمل، شیخ محمد
- ۴۸..... اشرف، اشرفعلی خان
- ۵۰..... الفتی، سید نورالدین خان
- ۵۲..... اعلیٰ، عطاء اللہ خان
- ۵۳..... امانت، امانت رام
- ۵۳..... آرام، بولاقی چند
- ۵۳..... اجل، داس
- ۵۴..... اخلاص، کشن چند
- ۵۴..... برہمن، چندربھان رای
- ۵۸..... بیدل، میرزا عبدالقادر
- ۵۸..... بیخبر، عظمت اللہ بلگرامی

- ۵۹..... بينا، حاجى بينا
- ۵۹..... برهان، آقا صالح مازندرانى
- ۶۱..... بى كس متهاوروى
- ۶۱..... باقر، محمد باقر بيگ شاملو
- ۶۱..... پيام، شرف الدين على اكبرآبادى
- ۶۵..... تركمان، ميرزا عجم قلى هندى
- ۶۵..... تعظيم، ملا محمد تقى
- ۶۶..... تلاش، حافظ محمد جمال
- ۶۷..... تحسين، آقا عبدالعلى
- ۶۷..... تقى، مير محمد تقى
- ۶۷..... تسليم، حافظ سلام الله خان
- ۶۸..... ثبات، مير عظيم
- ۷۰..... ثنا، شيخ آيت الله
- ۷۱..... جودت، محمد ايوب
- ۷۲..... جوياء، ميرزا داراب
- ۷۳..... جوياء، ملا
- ۷۳..... جنون، خواجه ابوالفتح خان كشميرى
- ۷۳..... جامع، خواجه مقصود كشميرى
- ۷۳..... جناب، ميرزا ابوطالب اصفهانى
- ۷۵..... حيران، شيخ محمد سرهندى
- ۷۶..... حضور، ميرزا باقر قمى
- ۷۶..... حسنعلى، ميرزا
- ۷۶..... حشمت، عمادالدين اصفهانى

- ۷۹..... حسرت، سید محمد مشہدی
- ۷۹..... حجاب، میرزا اسماعیل
- ۷۹..... حسین دوست، میر سنہلی
- ۸۰..... حسامی، شیخ حسام الدین
- ۸۰..... حیائی مٹھراہی
- ۸۱..... حسن، محمد حسن خان
- ۸۱..... حق، شاہ عظمت اللہ
- ۸۲..... حسرت، محمد اشرف
- ۸۲..... حضرت، محمد حیات
- ۸۲..... حاکم، حکیم بیگ خان
- ۸۵..... حاجب، محمد مومن مشہدی
- ۸۵..... حقیر، میرزا باقر اصفہانی
- ۸۶..... حلیم، حافظ حلیم
- ۸۸..... حسن، میر غلامحسن دہلوی
- ۸۸..... حیا، شیورام
- ۸۸..... حضور، گور بخش
- ۸۹..... خلیل، میرزا
- ۹۰..... خیال، میرزا غیاث الدین محمد
- ۹۱..... خوشتر، میرزا فضل اللہ
- ۹۱..... خانع، کشمیری
- ۹۲..... خسرو، میر
- ۹۲..... خادم، نظیر بیگ دہلوی
- ۹۳..... خرد، خواجہ یحییٰ خان

- ۹۴..... خوشگو، بند رابن.....
- ۹۵..... داود، میرزا.....
- ۹۷..... دانا، ملای کشمیری.....
- ۹۸..... دل، میرزا هاشم.....
- ۹۹..... درد، خواجه میر.....
- ۱۰۰..... دیوانه، رای سرب سنگهه.....
- ۱۰۱..... ذبیح یزدی.....
- ۱۰۱..... ذهین، حسنعلی خان.....
- ۱۰۲..... رضائی، محمد مشهدی.....
- ۱۰۴..... رافع، محمد صالح همدانی.....
- ۱۰۶..... راسخ، میر محمد زمان.....
- ۱۰۸..... رایج، میر محمدعلی سیالکوتی.....
- ۱۱۱..... رضوان، محمد حسین.....
- ۱۱۲..... راهب، میرزا محمد جعفر اصفهانی.....
- ۱۱۶..... رضا، آقا گیلانی.....
- ۱۱۶..... رضا، شیخ محمد.....
- ۱۱۶..... رضا، محمد کشمیری.....
- ۱۱۷..... راضی، فصاحت خان کشمیری.....
- ۱۱۷..... رسائی، زین الدین علی.....
- ۱۱۸..... رفیق، ملّا حسین سبزی فروش اصفهانی.....
- ۱۱۹..... رافع، کشمیری.....
- ۱۱۹..... راغب، محمد جعفر خان.....
- ۱۲۰..... رهین، محمد برهانعلی خان.....

- ۱۲۱ زایر شوشتری
- ۱۲۱ زرکوب، جعفر
- ۱۲۱ سید، میر سید علی سبزواری
- ۱۲۳ سید، علی خان جواہر رقم تبریزی
- ۱۲۴ سید، رضا میرزا اصفہانی
- ۱۲۵ سیادت، میر جلال الدین
- ۱۳۵ سالم، حاجی محمد اسلم کشمیری
- ۱۵۳ سامی، لطفعلی بیگ
- ۱۵۵ سامی، خواجہ عبید اللہ
- ۱۵۵ سخن، میر عبدالصمد
- ۱۵۹ سالک، صالحیار خان بلخی
- ۱۵۹ سحری، عبداللہ اکبر آبادی
- ۱۶۰ سامع، محمد احسن خان
- ۱۶۰ سودا، ملّا علی اکبر
- ۱۶۱ ساطع، ملّا
- ۱۶۵ سپاہی، شاہ
- ۱۶۵ سودا، میرزا رفیع دہلوی
- ۱۶۶ ساکن، عنایت بیگ
- ۱۶۷ سبقت، سکھراج
- ۱۶۸ ساکن، میرزا محمد خان کشمیری
- ۱۶۸ شعیا، ملّا خوانساری
- ۱۶۹ شفیع، محمد قزوینی
- ۱۶۹ شوکتی، ملّا محمد ابراہیم اصفہانی

- شوكت، محمد اسحاق بخارى ۱۷۱
- شهاب، ميرزا صالح ۱۷۶
- شريف، شيرازى اصفهانى ۱۷۷
- شرر، مير كاظم قمى ۱۷۷
- شعف، آقا عبدالله قمى ۱۷۷
- شهيد، مير غازى ۱۷۸
- شاعر، مير سيد محمد بلگرامى ۱۷۹
- شاعر، گل محمد ۱۸۰
- شهود، بالمكند ۱۸۰
- شوق، تنكه راى ۱۸۱
- صبحى، بيرم بيگ ۱۸۱
- صافى، ملا كازرونى ۱۸۲
- صادق، آقا تفرشى ۱۸۲
- صانع، مير دوست محمد سيالكوتى ۱۸۲
- صداقت، محمد صادق ۱۸۳
- صدر الدين، شيخ ۱۸۳
- صدر الدين، شيخ نيشابورى ۱۸۳
- صانع، شيخ نظام الدين احمد بلگرامى ۱۸۳
- ضمير، ميرزا روشن ضمير ۱۸۵
- ضياءالله، صيد بلگرامى ۱۸۶
- طاهر، ميرزا نصرآبادى ۱۸۶
- طايف، محمدعلى ۱۸۷
- طوفان، ميرزا ۱۸۸

- ١٨٩ طالع، میرزا نظام الدین احمد
- ١٨٩ طالع، میر سید عبدالعلی
- ١٩٠ طبیعت، شیخ سیف الدین محمد
- ١٩١ فهرست اعلام، امکنه، کتب و طوائف
- ٢٠٥ فهرست اشعار

مقدمه

منت ایزد را و حمد بی‌شمار هم سپاس او را و شکر آشکار

استادان راستین ادب و فرهنگ، ستون‌های استوار اندیشه‌ها و سازندگان حرکت‌های معنوی جامعه هستند و فقدان آنان ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. اگرچه خاک‌های تیره، شمع وجود مادی آنان را در دل خود خاموش می‌کند، ناتوان‌تر از آن است که بتواند حرکت معنوی آنان را نیز در اندیشه‌های مردمان متوقف سازد. کسانی که در طی روزگاران قدم به عرصهٔ حیات گذاشتند و دستی به قلم بردند و آنچه را در جان خود پروراندند، بر روی کاغذ سرودند، پایه‌های فرهنگ و ادب و دیانت را مستحکم نمودند.

در عهد غزنویان زبان فارسی در هند شمالی گسترش یافت و شاعران و نویسندگان نامداری به وجود آمدند. بعد از فرمان معروف راجه تودرمل، وزیر دارایی اکبر شاه (قرن ۱۰ و ۱۱ هـ. ق)، مبنی بر این‌که زبان فارسی، زبان رسمی و اداری شود، هندوان زبان فارسی را با شوق و رغبت فرا گرفتند و از دورهٔ جهانگیر تا زوال مغولان (قرن ۱۱ تا ۱۳ هـ. ق، اوج شکوفایی این زبان در شبه قاره است.

یکی از آثار به‌جا مانده از آن دوره، نسخه‌ای از تذکره‌ای موسوم به *باغ معانی* است. *باغ معانی* تذکرهٔ شاعران فارسی‌گوی هندی در سدهٔ ۱۲ هـ. ق است که به‌ظاهر سه یا چهار دفتر بوده، اما تنها به

دفتر دوم دسترسی پیدا شده است؛ که آن هم نام مؤلف ندارد و به گفته قاضی عبدالودود، ممکن است علی ابراهیم خان، مؤلف تذکره گلزار ابراهیم، این تذکره را هم تألیف کرده باشد.

دفتر دوم این تذکره دارای چمن‌های سوم و چهارم و پنجم است. احتمالاً چمن‌های اول و دوم مربوط به موضوعات دیگری می‌شده است. در چمن سوم به صورت الفبایی، ترجمه احوال مختصری از ۱۵ نفر از شعری که در فن شعر دارای مراتبی بوده‌اند، آورده شده و نام آخرین آنها در این چمن شاه عالم (ق ۱۱۷۵-۱۲۰۱ هـ) است که در آن زمان بر دهلی حکم می‌راند.

چمن چهارم ترجمه حدود ۲۲۶ نفر از وزیران و امیرانی است که شعر سروده‌اند؛ و چمن پنجم به ترتیب حروف الفبایی و شامل ترجمه‌ای از ۳۳۲ نفر از سخنوران پیشه‌وری است که از زمان هارون الرشید تا ۸۰۰ هـ. ق می‌زیسته‌اند.

قسمتی از دفتر سوم این تذکره (از حرف الف تا ظ) در کتابخانه خدابخش موجود می‌باشد. از دیباچه این‌گونه برمی‌آید که نام مؤلف این تذکره نقش علی بوده و شعر نیز می‌سروده است. در این دیباچه آمده است که مؤلف بعد از نگاشتن پنج چمن به نوشتن چمن ششم و هفتم و خاتمه نیز توجه داشته که البته هیچ یک از آنها در حال حاضر موجود نمی‌باشد.

اولین شاعری که در نسخه خدابخش از او نام برده شده، امیر امین‌الدین است و آخرین آن محمد ظریف. این دفتر هم بر اساس حروف الفبا ترتیب یافته است.

در نسخه خدابخش به سال تألیف اشاره‌ای نشده و مؤلف کتاب هم هیچ اطلاعی از سال آغاز یا پایان تألیف به دست نداده است. البته در هیچ یک از نسخ به واقعه‌های قبل از سال ۱۱۷۴ ق. و بعد از سال ۱۱۹۸ ق. اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین می‌توان تألیف این تذکره را مربوط به همان زمان (۱۱۷۴ تا ۱۱۹۸ ق.) دانست.

دانشمند محترم هندی آقای عابد رضا بیدار این نسخه را در سال ۱۹۷۷ میلادی در دهلی در ۱۲۶ صفحه با مقدمه‌ای دو صفحه‌ای و فهرستهائی ابتدائی چاپ فرموده و عیناً در سال ۱۹۹۲ افسست شده است. اساس کار ما همین چاپ است.

البته استاد فقید احمد گلچین معانی در تاریخ تذکره‌های فارسی مرقوم فرموده‌اند (ج ۱، ص ۸۲-۸۳): «باغ معانی تألیف نقشعلی در ۱۲۹۰-۱۲۷۴ هـ. ق. ترجمه مؤلف به دست نیامد ولی آنچه مسلم است وی تا سال ۱۲۹۰ حیات داشته و تذکره مزبور را تکمیل می‌کرده چنان که در همین سال شرح

ملاقات خود را با سید نورالدین خان الفتی در ذیل نام او مذکور داشته است». که مسلماً هر دو تاریخ غلط و ۱۱۷۴ و ۱۱۹۰ صحیح می‌باشد. در همین بخش جزئی کتاب که فعلاً در اختیار خوانندگان محترم می‌باشد مؤلف شش‌بار به این تاریخها چنین اشاره می‌کند:

۱. مؤلف در شرح حال عطاءالله خان اعلی تخلص می‌نویسد: «در این اوقات که هزار و یکصد و هفتاد و چهار [۱۱۷۴] سنه هجری است» (ص ۵۲ چاپ حاضر).

۲. مؤلف در شرح حال رسائی می‌نویسد: «در این سال که داخل شهور هزار و یکصد و هفتاد و چهار [۱۱۷۴] است» (ص ۱۱۷ فعلی).

۳. مؤلف در شرح حال رفیق اصفهانی می‌نویسد: «در این سنوات که هزار و یکصد و هشتاد و هشت [۱۱۸۸] است» (ص ۱۱۸ چاپ فعلی).

۴. مؤلف در شرح حال محمدجعفرخان راغب تخلص می‌نویسد: «در این اوقات که سنه هجری هزار و یکصد و نود و شش [۱۱۹۶] است» (ص ۱۲۰ چاپ حاضر).

۵. مؤلف در شرح حال میرزا محمدخان کشمیری ساکن تخلص می‌نویسد: «در این اوقات که سال هجری یک هزار و یکصد و نود و هشت [۱۱۹۸] است» (ص ۱۶۸ چاپ حاضر).

۶. مؤلف در شرح حال الفتی می‌نویسد: «در سنه هزار و یکصد و نود که فقیر در کوره در خدمت ایالت و امارت پناه حیدر بیگ‌خان بهادر بودم برابر من فرود آمده بود (ص ۴۲ کتاب حاضر). بنابراین مؤلف از سال ۱۱۷۴ تا ۱۱۹۸ مشغول تألیف این کتاب بوده و احتمال اینکه او تا سال ۱۲۹۰ حیات داشته باشد بعید است. (ص ۵۰ چاپ حاضر).

در این قسمت چاپی، مصحح هندی فقط تراجم شعرائی را آورده که تخلص آنها تا حرف طا است. در حالی که چندین بار اشاره می‌کند که شرح حال فلان شاعر که می‌آید چنین است اما در قسمت چاپی نیست.

در صفحه اول این نسخه مطلبی آمده که به موجب آن می‌توان گفت احتمالاً کتابت این نسخه به خط مؤلف است: «تذکره الشعرا از تألیفات نقش علی. این نسخه اصل به خط مؤلف مزبور است». البته نمی‌توان این موضوع را به طور قطع تأیید یا تکذیب نمود.

در این تذکره، احوال و اشعار شاعرانی که معاصر و یا نزدیک به عصر مؤلف می‌زیسته‌اند نگاشته شده. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که از ۱۳۵۴ نفر شاعری که ۱۵۸ نفر آنها

انتخاب شده و نامشان آمده تعدادی از آنها من جمله برهمن، ضمیر، شعیا و ... از شعرای قرن یازدهم بوده‌اند.

باغ معانی فقط یک تذکره صرف نیست بلکه یکی از متون نقد ادبی هم هست. نقشعلی در مواردی که شعر شاعری را نقل می‌کند درباره آن هم نظر می‌دهد یا گاهی بر تذکره‌های دیگر ایراد می‌گیرد مثلاً:

۱. مؤلف در شرح احوال محمد اسحاق شوکت بخاری بر نظر حزین لاهیجی ایراد گرفته و نوشته: «مؤلف گوید که در سال ورود او به خراسان و وفاتش تعداد این قدر سنین تمکن او در ایران ظاهر نمی‌شود که شیخ قلمی فرموده، اغلب که سهو کاتب باشد» (ص ۱۷۲ کتاب حاضر).

۲. مؤلف گوید صحیح احوال همین است که به قلم آمده. او مطلقاً به هند نیامده است (ص ۱۷۲ کتاب حاضر).

۳. به اعتقاد فقیر نقش‌علی، اگر به جای حرف میم متکلم و زخم را لفظ «خود» باشد پیش متکلمان احسن‌تر باشد (ص ۳۴ کتاب حاضر).

۴. اگرچه مؤلف ندیده‌ام و آنچه از او به نظر رسیده چند شعر بود که پیش میرزای موصوف بودند لیکن به زبان ایشان مسموع است (ص ۳۵ کتاب حاضر).

۵. در شرح حال اشرف‌علی‌خان اشرف می‌نویسد: «اوایل هرگز شعر نمی‌گفت حالا گاهگاهی به ندرت شعری موزون می‌کند و تذکره‌الشعرائی نیز تسوید می‌نماید، لیکن چون برای تحریر این قسم تألیف، حافظه کلی و اطلاع بر مقاصد تاریخ ضرور است و از این هر دو عاری‌اند و آن قدر که سرمایه اطلاع و حافظه در این امر داشتند به سبب پریشان و گردش فلکی، اختلال حواس رو نموده نقصان پذیرفت، تکرار و سقم بسیار دارد (ص ۴۹ کتاب حاضر).

۶. در شرح حال حاجی بینا وقتی این شعر او را نقل می‌کند:

از آفتاب قلقل مینا نهفتنی است این راز سر به مهر به مهتاب گفتنی است

می‌نویسد: «راز سر به مهر، طرفه عبارت است» (ص ۵۹ کتاب حاضر).

۷. در شرح حال خواجه میردرد می‌نویسد: «در اشعار هندی، حافظ شیراز وقت است» (ص ۹۹ کتاب حاضر).

۸. در انتساب شعری به ناصر علی سرهندی یا محمد رضائی مشهدی می‌نویسد: «مؤلف گوید رضائی پیشتر از ناصر علی است، در حقیقت مالک مصرع او است لیکن آن مرحوم پیش مصرع آن قدر خوب به هم رسانده که مالک این بیت گشته است» (ص ۱۰۳ کتاب حاضر).

۹. در شرح حال میر محمدزمان راسخ می‌نویسد: «مؤلف این اوراق گوید که مرزا سرخوش که هم مشق میر است شعر همچنان نوشته و ذکر مصرع دویم هم نکرده شاید که اشتباه باشد. به هر صورت این لفظ درست است» (ص ۱۰۶).

۱۰. در ذکر محمدجعفرخان راغب می‌نویسد:

گوش نما و یادگیر بهر خدای پند ما باده به هر کسی منوش ای بت خودپسند ما

لفظ «گوش نما» عبارت طرفه‌ای است که به جای «گوش کن» آورده و انیس که یکی از شاگردان میرزا فاخر مکین - سلمه الله - است و تذکره‌ها در ذکر شعرای تلامیذ ایشان نوشته و از نظر آن یگانه عهد گذرانیده در آن مندرج است و شعر اصلاحی آن نگار یافت (ص ۱۲۰ چاپ حاضر).

۱۱. در ذکر حاجی محمد اسلم سالم کشمیری می‌نویسد: «بعد ملا غنی مثل اوئی از کشمیر برنخاسته» (ص ۱۳۵ چاپ حاضر).

۱۲. در شرح حال ملا علی اکبر سودا می‌نویسد: «شعر مربوط می‌گفت» (ص ۱۶۰ چاپ حاضر).

۱۳. در شرح حال میرزا داود می‌نویسد: «مؤلف ید بیضا که او را از شاهزاده‌های صفوی نژاد نوشته به جهت نسب نسبت مادریش قیاس کرده باشد، لیکن اطلاق لفظ شاهزاده به غیر پسر پادشاه نتوان کرد و آنچه خان آرزو ثبت کرده که بعد انقراض سلطنت صفویه و نادریه نسبت به قرابت خاندان صفویه، پسرش را بر تخت سلطنت ایران نشانده‌اند این هم صحت ندارد. در زمانی که شاه سلطان حسین گرفتار محمود افغان گشت و در ایران هر طرف فتنه سر تعبیه برآورد، سید احمد نواده آن مرحوم در کرمان دعوی پادشاهی کرد و به دست سپاه اشرف افغان، غازه سر در سر آن کار داد» (ص ۹۶ چاپ حاضر).

۱۴. مؤلف در شرح حال میرزا عظیم اکسیر صفاهانی می‌نویسد: «مؤلف گوید اگر مصرعه اخیر این بیت چنین باشد لطف دیگر دارد» (ص ۳۵ کتاب حاضر).

۱۵. مؤلف در شرح حال همان اکسیر می‌نویسد: «این بیت مضمون شعر دیگری است و او خوب‌تر بسته می‌گوید» (ص ۳۵ کتاب حاضر).

۱۶. مؤلف در شرح حال حافظ محمد جمال تلاش می‌نویسد: «مؤلف گوید که عبارت این مصرعه نامأنوس در محاوره فصحا است» (ص ۶۷ کتاب حاضر).

مؤلف در تألیف این تذکره از منابعی سود جست و با مردانگی نام آنها را آورده. این منابع عبارتند از: ید بیضا، ریاض الشعراء، کلمات الشعراء، تذکره الشعراء حزین، سفینه میرزا حسن بیک داروغه قلعه اسیر، تذکره نصرآبادی، شرف الدین علی یزدی.

در باغ معانی شرح حال و نمونه اشعاری از شعرائی آمده که یا در تذکره‌های دیگر اصلاً نام و نشانی از آنها نیست یا فقط در یکی دو تذکره نام آنان آمده. از این نظر کتاب حاضر منبع مهمی است برای کسانی که در ادبیات فارسی قرون یازدهم و دوازدهم تحقیق می‌کنند.^۱

شعرائی که فقط نام و نمونه شعرشان در باغ معانی آمده عبارتند از: سید جلال‌الدین آشنای هروی، میرزا محمد احسن، محمد فاضل آزاد گجراتی، شاه فصیح افصح، حمید بیک اظهار، میرزا محمد علی اوهام، زین‌الدین علی رسائی، جعفر زرکوب، صالح یارخان سالک بلخی، ملا علی اکبر سودا، میرزا محمدخان ساکن کشمیری، خانع کشمیری، میرزا صالح شهاب، تنکه رای (تنسوخ رای) شوق، محمدصادق صداقت.

شعرائی که به‌غیر از باغ معانی فقط در یک تذکره دیگر از آنان ذکری شده عبارتند از: احسنی گوالیاری، اکرم پیشاوری، آزاد کشمیری، ایجاد لاهوری، انسان مرادآبادی، اشتیاق سرهندی، اکمل، اشرف دهلوی، اچل داس دهلوی، بینای گجراتی، برهان مازندرانی، بی کس متهری، باقر شاملو، تقی دهلوی، جامع کشمیری، حضور قمی، حجاب قزوینی، حسامی هندوستانی، شاه عظمت الله حق، حسرت سندیلوی، محمد حیات حیات، خوشتر دهلوی، دانا کشمیری، زایر شوشتری، عبیدالله سامی، عبدالله سحری اکبرآبادی، محمد احسن سامع، شفیع قزوینی، شریف شیرازی اصفهانی، شررقمی، صانع سیالکوتی.

۱. بدیهی است که ملاک این اظهار نظر کتاب فرهنگ سخنوران شادروان عبدالرسول خیام‌پور است و کتاب‌هایی مانند قاموس الاعلام، الذریعه، ریحانه الادب و طبقات اعلام الشیعه تذکره به حساب نیامده است.

پاورقیهائی که جلوی آن «بیدار» آمده از مصحح محترم هندی و پاورقیهای دیگر از مصححین ایرانی است.

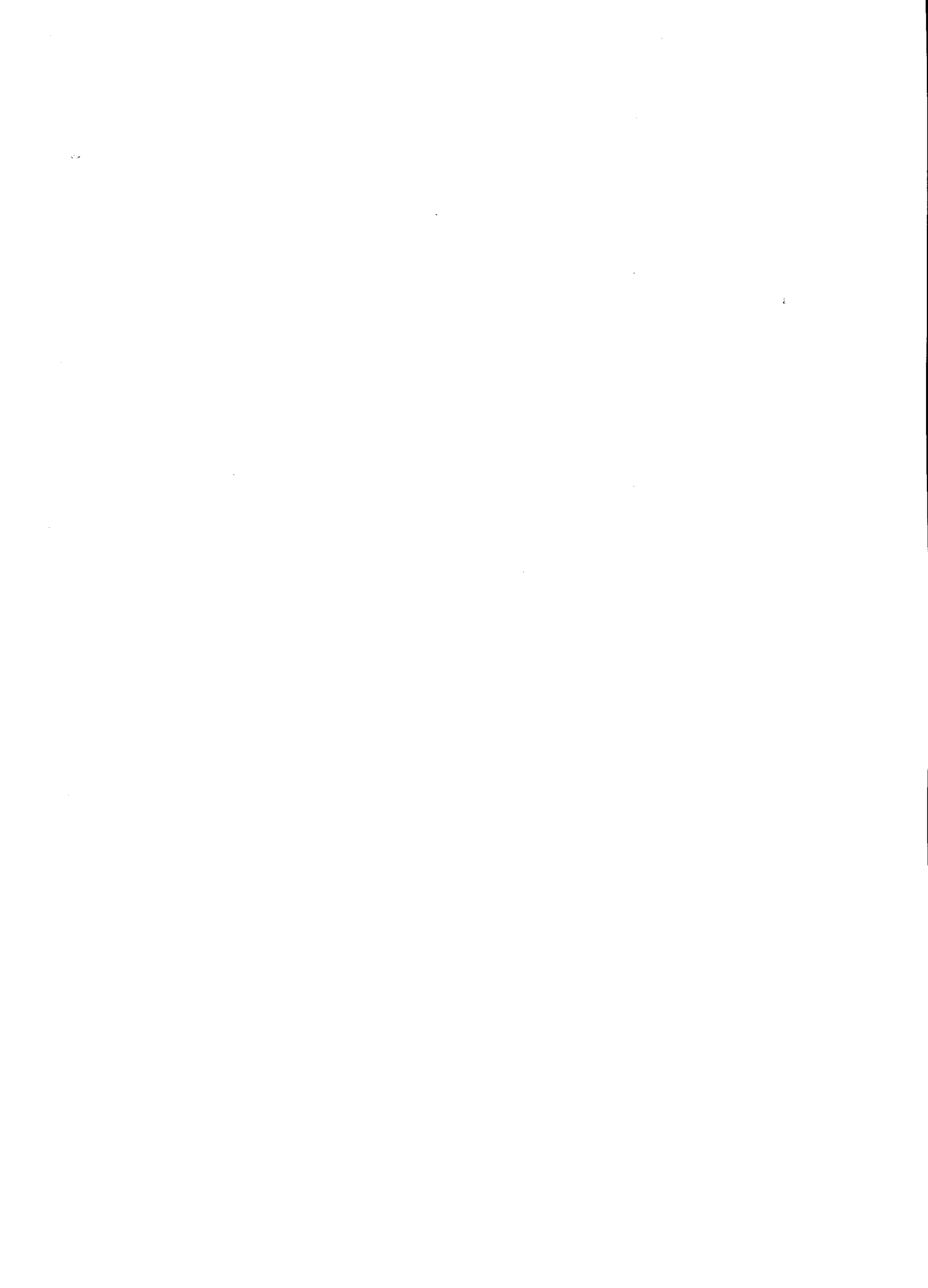
شرح حال مؤلف به دست نیامد. فقط مؤلف در شرح حال زین الدین رسائی نوشته: «ولد کهتر قدوة الواصلین شرف الدین علی «عارف» تخلص - قدس سره - عم مؤلف این اوراق». و در شرح حال الفتی می نویسد: «با مؤلف این اوراق که شیرازه بند اجزای وفا است بسیار مربوط و آشنا است. در سنه هزار و یکصد و نود که فقیر در کوره در خدمت ایالت و امارت پناه حیدر بیک خان بهادر بودم برابر من فرود آمده بود و از اختلاط مسرور ساخت».

اکنون خوشوقتیم که این کتاب گران قدر را برای بار اول در ایران احیا و به حضور خوانندگان تقدیم می کنیم. امید است مورد توجه واقع گردد.

میر هاشم محدث

یوسف بیگ باباپور

بیستم دی ماه ۱۳۹۳



دیباچه

فاتحه و فتح کلام خدا نام خدا آمده، نام خدا

سپاس بی‌قیاس، بهار آفرین را سزاست که عنادل^۱ ناطقه را بر شاخسار زبان جا داد، و ستایش و نیایش بی‌قرینی را بجاست که طوطی مقال را در گل زمین امکان طبع موزون نهاد. نی کلک به آبیاری هوای نیایش او سرو موزون، و عقل فعال در فضای ستایش او بید مجنون؛ **لمؤلفه:**

زهی قدرت صانع جزو و کل ز یک دانه آرد برون خار و گل
به حمدش نه تنهاست گل تر زبان بود مدح او خار را بر زبان
از او بادۀ رنگ در جام گل وزو نشۀ بوی در کام گل
اگر گل، و گر خار، گر رنگ و بوست ثناخوان به تسبیح و تهلیل اوست

تزیین لوح زبان به نقوش حمد نقاشی است که نگارخانهٔ صفحهٔ وجود را به انواع اشکال مختلف‌الالوان صنایع بوقلمون ساخته و خامۀ اعجاز‌پرداز قدرتش کرده بی‌رنگ نیرنگ عالم شهود را به بدایع ودایع انگلیون پرداخته. **لمؤلفه:**

مـصـوّر مـصـوّر نمـود آن چـنان که شد از ظهورش بطونش عیان

به هم چار اضداد را کرده ضم برانگیخت نقشی به علم قدم
هیولای انسان به شکلی کشید کز او جمله اشکالها شد پدید

نعت سردفتر موجودات که سررشته جمعیت اجزای نسخه کاینات، ذات با برکات اوست؛ پیشوائی
که اول مخلوقات و باعث ایجاد عالم مکوتات، نور شریف و ظهور عنصر لطیف مقدس صفات اوست،
لمولفه:

مقصود آفرینش عالم مطلب خلقت بنی آدم
آن همایون سریر فتح لوا شرف دودمان آل لوا

مدح محمودی، که هر چه از جنس حمد و مدح توست، اشارتی است از تصحیف اسم مبارک آن
برگزیده تبارک، و جمیع اسمای حسنی، حسن شمایل او را صلی الله علیه آله و سلم - بارک متبارک.
لمولفه:

مهمین سرور پیشگاه شهود بهمین میوه بوسستان وجود
مقدم خرام صف انبیا معزز نشین مقام صفا
زهی گوهر کان کون و مکان که شد جوهرش مخزن «کن فکان»
ز فیضان ذاتش وجود همه طفیلش بود هست و بود همه
سر و سرور انبیای کرام علیه الصلاة و علیه السلام

مدح بی مثال عالم مثال که مصور مکونات صنایع «کن فیکون»، شبیه آن بی نظیر مکان امکان،
شکلی مصور نکرده و نقاش مشیت بالغه‌اش، نقشی مانند آن خلاصه نیرنگ «کن فکان»، بر صفحه
هستی به جلوه ظهور نیاورده، لمولفه:

علی ولی آن ولی علی امین خدا و معین نبی
همان مصدر فعل حق صدر دین که ثابت بود صادرانش به دین
به ذات خدا مشتهبه در صفات به نور نبی مشترک هم به ذات
به علم ازل واقف سر غیب مبراً ز نقصان، معراً ز عیب

همان کار حق شد ز دستش عیان "یدالله" از آن روی شد نام آن
 نباشد صفات ورا حصر و حد اگر جن و انسان کند مد و عد
 منقبت آن محیط مرکز ولایت، که نه دایره فلکی به رفعت علو شأنش، کم از نقطه موهوم؛ و
 مفهومات ساکنان طبقات ارض و سماوات در پیش علم لدنیش کمتر از نکته معلوم. صفدری که از
 نعره یکباره، دل لشکری دو پاره کرد و به یک حمله، جمله برج و باره خیبر متزلزل ساخت. مبارزى
 که چون دم ذوالفقارش بی فرق، بر فرق مرحب نشست، از صفوف هر دو صنوف غلغله «مرحبا!
 مرحبا!» برخاست، لمولفه:

آن که دستش غالب هر غالب است افتخار دودمان غالب است
 آن که شهر علم احمد را در است شاه مردان، شیر یزدان، حیدر است
 و آن که بودند انبیا طالب به او شد منور چشم بوطالب به او
 تا نتابد مهر مهر او به دل نور ایمان نگرده مشتعلم
 تانه مهر مهر او بر دل بود محضر دینت کجا کامل بود؟
 و تحفه تحیات زاکیات، نیاز و نثار ارواح و اشباح مقدس و اولاد امجادش که ثمر شجر نبوت و اصل
 مرتبه امامت و اصل ولایتاند، باد!

سپاس و سلامی سزاوار او بر او باد، بر آل اطهار او
 بر اصحاب و بر پیروانش همه به یاران روشن روانش همه
 اما بعد.

می گوید مؤلف این اوراق، سگ آستان نبی و ولی، نقش علی - عفی الله عنه من جرایم الخفی
 و الجلی - که چون از آراستن پنج چمن تذکره باغ معانی به آبیاری سحاب الطاف و سرچشمه
 اعطاف الهی شادمانی خاطر حاصل شد، حالیا منقار عنده کلم بر شاخسار گلهای چمن ششم و
 هفتم و خاتمه هزار آوا است، امید از جویبار فیض فضل باری و آبیاری بحر مکرمت و نسیم عنایت و
 یاری اوست که این چمن بی خزان از سحاب موهبتش سرسبز و شاداب گشته، از اثمره مراد بارور
 گردد؛ من الله توفیق و هو المستعان فی کل حال و زمان.

آشوب، ملا محمدحسین مازندرانی

از دیار خود به هند آمده، ملازم نواب ظفرخان احسن گشت. سالها بود، باز به ممالک ایران مراجعت نمود. نوبت دویم عازم این صوب شد، به مقصد رسیده، بعد چند گاه درگذشت. او را است:

سبزه از مژگان من سرمشق شادابی گرفت نرگس از چشم ترم تعلیم بی‌خوابی گرفت
نقد اشکم را به زور از مردم چشمم ربود گرد او گردم که باج از مردم آبی گرفت

مؤلف نسخه مجمع‌الصنایع که این ابیات را به حسن بیگ رفیع منسوب داشته، در آنجا می‌نویسد که در سنه هزار و پنجاه‌وشش که سلطان مراد بخش بن شاهجهان تسخیر بلخ کرد، مؤلف نیز همراه سلطان بود. شبی در مجلس مولانا عبدالله نام، جوانی این دو بیت حسن بیگ رفیع را به نام خود خواند؛ مؤلف این اجزا در چند نسخه مثل تذکره میرزا طاهر نصرآبادی؛ و ریاض‌الشعراء، و مجمع‌النفایس، به نام ملای مذکور دیده‌ام. هم او را است:

نیست باکم از فلک امشب که می‌با او خورم عالم آب است، پندارم که آبم برده است

آگاه، میرزا محمد کاظم نیشابوری

خالی از علم و شعور نبوده، در عهد پادشاه محمد فرخ‌سیر، از دیار خود به هند آمده، در دهلی سر می‌کرد. او را است:

کارم از عقده تسبیح روا می‌گردد عقده از نام خدا عقده‌گشا می‌گردد

چو بعد عمر به روی تو چشم باز کنم کمال حلقه قد دو تا به ناز کنم

رباعی

هر کس که به بزم شاعران دارد خو دستش به قفا بیند مانند سبو
گویم به تو گر زاعتقادم پرسی بر دشمن اهل بیت جز لعن مگو

ایما، میرزا اسماعیل اصفهانی

از مشاهیر شعرای عهد، به صفای گفتگو و شیرین‌زبانی ممتاز و به تلاش مضامین تازه امتیاز داشت. با اکثری از شعرای معاصرین خود چون میر عبدالعال نجات و آخوند شفیعی اثر، و دیگر سخن‌سرایان هم‌طرح بود. مدار معیشت به شغل تجارت بسر می‌کرد. تا در سنه هزار و یکصد و سی و دو رو به عالم دیگر آورد. جناب شیخ علی حزین نوشته که با من اخلاص و دوستی داشت. او را است:

غیر ایما که به کوی تو بسر می‌آید که بسر برد دگر این ره بی‌پایان را؟

چاره ز می‌کن دل‌افسوده را گرم نگه‌دار هوا خورده را

ز طعن اهل حسد دلبر یگانه ما چو آفتاب نیامد شبی به خانه ما

... کسی گل نکند از سخن ما کی سبزه بیگانه برآرد چمن ما
دارند به ما خوش‌نگهان گوشه چشمی گردید چراگاه غزالان چمن ما

بالا نمی‌رود ز ترقی دماغ ما چون آفتاب دود ندارد چراغ ما
خونی که یار در دل ایام کرده بود آورد روزگار برون از ایام ما
حق تا به کار ماست که از ماست بی‌خبر خود را کنیم گم چو بگیرد سراغ ما

کاری ز چرخ ناید جز بی‌دماغ کردن این کاغذ کبود است از بهر داغ کردن

دو شم به یار جرأت عرض نیاز بود چون مد عرض داشت زبانم دراز بود
